

شکست پرستاران سوئد «شکست قرن»

مهرنوش شفیعی

هفدهم خرداد هشتاد و هفت

شغل پرستاری در سوئد همانند تمام نقاط جهان شغلی عمدتاً زنانه است. این مسئله بدین معناست که اولاً دستمزدها پایین است، ثانیاً زنان بخاطر اشتغال همزمان به کارخانگی و مسولیت کودکان و ساختار پدربسالار جامعه از پیشرفت در عرصه کاربدرجات زیادی محرومند. اگرچه این مسئله ترکتازی نئولیبرالیسم را به حرص همیشگی سرمایه برای سود بیشتر اضافه کنیم، وضعیت پرستاران و بطور کلی کارگران خدمات درمانی مشخص تر میشود. حمله به رفاه نسبی موجود که در اثر مبارزات طولانی کارگران کشورهای اصطلاحاً پیشرفته سرمایه داری معمول شده بود علاوه بر کل طبقه کارگر بیشتر از میان زنان قربانی میگردد.

بدنبال وخیم تر شدن اوضاع کارگران در کل منطقه از جمله سوئد اعتراضات پراکنده در بین کارکنان خدمات درمانی هم اوج گرفته است. مبارزه اخیر پرستاران در سوئد نیز بر این بستر شکل گرفت. حرکت چشمگیری که از میان اعتراضات سر بر آورد بنام «شورش دستمزد ها» معروف شد. این حرکت خارج از اتحادیه اگر چه سازماندهی لازم را نداشت اما خواسته های کارگران را منعکس میکرد و بسرعت رشد کرد. خواسته های این حرکت افزایش مبلغ ثابت ۵۰۰۰ کرون به دستمزد ها و افزایش حداقل دستمزد تا مرز ۲۳۰۰۰ کرون برای امسال بود. حربه آنها در مقابله با سرمایه تهدید به استعفای دسته جمعی بود. در این فاصله و بموازات این حرکت، اتحادیه خدمات در مانی با کارفرما وارد مذاکره شده و با قبول ضمنی شرایط کارفرما به کنگره اتحادیه اش آمد. علیرغم اینکه شرکت کنندگان در کنگره اتحادیه همه نمایندگان اتحادیه در محل کار هستند، اما به خاطر موج وسیع اعتراضات در بین کارگران، کنگره به درخواست رهبران اتحادیه رای منفی داد. بدنبال این فشار از پایین اتحادیه ناچار بود روش دیگری را برگزیند و اعتصاب کارگران خدمات درمانی اعلام شد. بدرستی گفته میشود که شورش خارج از اتحادیه باعث شد که اتحادیه به پای اعتصاب برود. اما در این رابطه به چند نکته مهم باید توجه نمود. اول آنکه اعتصاب اگر چه حربه ای کلاسیک در مبارزه طبقه کارگر است و همچنان در مبارزات کارگری دارای نقشی اساسی است، اما عملکرد یک اعتصاب را باید در شرایط مشخص ارزیابی کرد. دیگر آنکه وسائل انتخاب شده باید بتوانند کارفرما را در معرض خسارتی تهدید کننده قرار دهند تا او را وادار به قبول شرایط کارگران بکنند. اعتصاب پرستاران سوئد این دو مشخصه توأمان را نداشت. لذا حربه ای موثر نبود. علت این عدم تاثیر اولاً رهبری آنست که توسط کسانی پیش می رفت که بنا را بر سازش گذاشته بودند و تعداد کسانی که در نهایت به اعتصاب در آمدند تنها ۵۰۰۰ نفر از کل ۹۰۰۰۰ نفری اعضا اتحادیه بودند. دوماً دستمزد اعتصابیون از صندوق اتحادیه باید پرداخت شود و لاجرم هزینه ای بر کارفرما تحمیل نمی کند و میزان پایداری را به مقدار پول در صندوق گره می زند. سوماً شغل خدمات درمانی به خاطر سرو کارش با جان و سلامتی انسانها بطور کامل نمی تواند تعطیل شود و کارفرما تلاش میکند افکار عمومی را در مقابل پرستاران قرار دهد. از این رو زمان در این امر از اهمیت بسیاری برخوردار است. در طول اعتصاب کارگرانی که شامل اعتصاب نمی شوند اجباراً با حجم

زیادتر کار روبرو می شوند. درمانهای به تعویق افتاده نیز بر دوش کارگران تلنبار میشود و به حجم کار بعد از اعتصاب افزوده میشود. و... همانطور که می بینیم این اعتصاب نه تنها منفعت کار فرما را بطور کلی به خطر نمی اندازد بلکه با طولانی شدنش به کارفرما کمک می کند تا از یکسو بوسیله مطبوعات زرخیز خود افکار عمومی را بر علیه کارگران بسیج کند، از سوی دیگر مبلغ هنگفتی بعنوان دستمزد ایام اعتصاب که توسط اتحادیه پرداخت می شود به جیب خود سرازیر کند. این حالت به تمامی در تمام مراکز تولیدی صدق نمی کند اما در مورد وضعیت کنونی پرستاران صادق است. به این دلایل باید این مسئله را اضافه کرد که اعتصاب خارج از اتحادیه مشمول دستمزد ماهانه نمی شود. به این خاطر «شورش دستمزد ها» حربه خود را استعفای جمعی قرار داده بود. تا هرچه سریعتر و در گرماگرم همدلی آغاز مبارزه، کارفرما را با بحرانی بزرگ روبرو کند. کاری که در فنلاند نتیجه بخش بود.

معنای اعلام اعتصاب از سوی اتحادیه که در شرایطی دیگر می توانست عملی رادیکال تر معنا شود در اینجا تنها توانست شورش خارج از اتحادیه را مهار کند. نتیجه شش هفته اعتصاب دست آخر آن بود که اساسا پیشنهاد کارفرما به اضافه تنها نیم درصد اضافه دستمزد موضوع سازش قرارگیرد. کاری که بدون اعتصاب و در همان قدمهای اول مذاکرات هم ممکن بود. اعلام اعتصاب که در ابتدا از جانب برخی رادیکال شدن اتحادیه تحت فشار اعتراضات کارگران تلقی می شد در واقع ترس از حرکت خارج از اتحادیه بود که تنها ظرف چند روز به دهها هزار نفر بالغ شده بود. راهی بود برای شکست حرکت های رادیکال و در دست گرفتن مهار جنبش خارج از اتحادیه. اعتراض سرکوب شده کارگران خود را به شکل سرخوردگی و یاس توام با افسردگی در محیط های کار نشان می دهد. امیدواریهای اولیه که موجب نشاط و شوق فراوانی در کارگران این عرصه شده بود بدل به خشم و ناراضی از اتحادیه و کارفرما شده است. جنبش خارج از اتحادیه نتوانست بدیلی برای اتحادیه ایجاد کند. کسانی که پیشرو این حرکت بودند چشم اندازی بیشتر از یک اعتراض نداشتند. این مجموعه شرایط، شکستی فاحش را نصیب کارگران خدمات سوئد نمود که در بین معترضین «شکست قرن» نامیده می شود. با این همه اما در بین معترضین خارج از اتحادیه کماکان اعتراض های پراکنده وجود دارد و قرار است نام کسانی که در این رابطه به تناوب استعفا می دهند در لیستی گردآوری شود. این کار و دهها حرکت اعتراضی اما پراکنده دیگر امیدوارند که بتوانند اعتراضی دیگر را برپا کنند.

مهرنوش شفيعی

۲۰۰۸-۰۶-۰۲ - ۸۷/۳/۱۵

سلام دمکرات

زیر نویس

توضیح: کارگرانی که استعفا می دهند امکان آنها دارند که با شرایطی بمراتب بهتر در کشور های همجوار یا بخش خصوصی استخدام شوند. در همه جا همیشه این شرایط وجود ندارد. در عین حال استعفای جمعی در سوئد جرم محسوب میشود و به این خاطر شورش دستمزدها تنها می توانست آنها برآیند عمل افراد جلوه دهد. این مسئله از نقش سازماندهنده شعار مشترک تا حدود زیادی جلوگیری میکرد. کارفرما در طول اعتصاب روزانه ۱۱ میلیون کرون بابت پرداختن دستمزد ها عایدی داشته است. ۲۰۰۸-۰۶-۰۲